

زندگینامه حضرت فاطمه زهرا (قسمت اول)

زندگینامه حضرت فاطمه زهرا

زندگینامه حضرت فاطمه زهرا (قسمت اول)

فاطمه (علیها السلام) در نزد مسلمانان برترین و والامقام ترین بانوی جهان در تمام قرون و اعصار می باشد. این عقیده بر گرفته از مضامین احادیث نبوی است. این طایفه از احادیث، اگر چه از لحاظ لفظی دارای تفاوت هستند، اما دارای مضمونی واحد می باشند. در یکی از این گفتارها (که البته مورد اتفاق مسلمانان، اعم از شیعه و سنی است)، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: "فاطمه سرور زنان جهانیان است". اگر چه بنابر نص آیه شریفه قرآن، حضرت مریم برگزیده زنان جهانیان معرفی گردیده و در نزد مسلمانان دارای مقامی بلند و عفت و پاکدامنی مثال زدنی می باشد و از زنان برتر جهان معرفی گشته است، اما او برگزیدهی زنان عصر خویش بوده است. ولی علو مقام حضرت زهرا (علیها السلام) تنها محدود به عصر حیات آن بزرگوار نمی باشد و در تمامی اعصار جریان دارد. لذا است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در کلامی دیگر صراحتاً فاطمه (علیها السلام) را سرور زنان اولین و آخرین ذکر می نماید.

اما نکته ای دیگر نیز در این دو حدیث نبوی و احادیث مشابه دریافت می شود و آن اینست که اگر فاطمه (علیها السلام) برترین بانوی جهانیان است و در بین زنان از هر جهت، کسی دارای مقامی والاتر از او نیست، پس شناخت سراسر زندگانی و تمامی لحظات حیات او، از ارزش فوق العاده برخوردار می باشد. چرا که آدمی با دقت و تأمل در آن می تواند به عالیترین رتبه های روحانی نائل گردد. از سوی دیگر با مراجعه به قرآن کریم درمی یابیم که آیات متعددی در بیان شأن و مقام حضرتش نازل گردیده است که از آن جمله می توان به آیه تطهیر، آیه مباهله، آیات آغازین سوره دهر، سوره کوثر، آیه اعطای حق ذی القربی و... اشاره نمود که خود تأکیدی بر مقام عمیق آن حضرت در نزد خداوند است. این آیات با تکیه بر توفیق الهی، در مقالات دیگر مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ما در این قسمت به طور مختصر و با رعایت اختصار، به مطالعه شخصیت و زندگانی آن بزرگوار خواهیم پرداخت.

نام، القاب، کنیه ها)

زندگینامه حضرت فاطمه زهرا)

نام مبارک آن حضرت، فاطمه (علیها السلام) است و از برای ایشان القاب و صفات متعددی همچون زهرا، صدیقه، طاهره، مبارکه، بتول، راضیه، مرضیه، نیز ذکر شده است.

فاطمه، در لغت به معنی بریده شده و جدا شده می باشد و علت این نامگذاری بر طبق احادیث نبوی، آنست که: پیروان فاطمه (علیها السلام) به سبب او از آتش دوزخ بریده، جدا شده و برکنارند. زهرا به معنای درخشنده است و از امام ششم، امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که: "چون دخت پیامبر در محرابش می ایستاد (مشغول عبادت می شد)، نورش برای اهل آسمان می درخشید؛ همانطور که نور ستارگان برای اهل زمین می درخشد."

صدیقه به معنی کسی است که به جز راستی چیزی از او صادر نمی شود. طاهره به معنای پاک و پاکیزه، مبارکه به معنای با خیر و برکت، بتول به معنای بریده و دور از ناپاکی، راضیه به معنای راضی به قضا و قدر الهی و مرضیه یعنی مورد رضایت الهی. (1)

کنیه های فاطمه (علیها السلام) نیز عبارتند از ام الحسین، ام الحسن، ام الائمه، ام ابیها و...

ام ابیها به معنای مادر پدر می باشد و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دخترش را با این وصف می ستود؛ این امر حکایت از آن دارد که فاطمه (علیها السلام) بسان مادری برای رسول خدا بوده است. تاریخ نیز گواه خوبی بر این معناست؛ چه هنگامی که فاطمه در خانه پدر حضور داشت و پس از وفات خدیجه (سلام الله علیها) غمخوار پدر و مایه پشت گرمی و آرامش رسول خدا بود و در این راه از هیچ اقدامی مضایقه نمی نمود، چه در جنگها که فاطمه بر جراحات پدر مرهم می گذاشت و چه در تمامی مواقف دیگر حیات رسول خدا.

مادر و پدر)

زندگینامه حضرت فاطمه زهرا)

همانگونه که می دانیم، نام پدر فاطمه (علیها السلام) محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) است که او رسول گرامی اسلام، خاتم پیامبران الهی و برترین مخلوق خداوند می باشد. مادر حضرتش خدیجه دختر خویلد، از زنان بزرگ و شریف قریش بوده است. او نخستین بانویی است که به اسلام گرویده است و پس از پذیرش اسلام، تمامی ثروت و دارایی خود را در خدمت به اسلام و مسلمانان مصرف نمود. خدیجه در دوران جاهلیت و دوران پیش از ظهور

اسلام نیز به پاکدامنی مشهور بود؛ تا جایی که از او به طاهره (پاکیزه) یاد می‌شد و او را بزرگ زنان قریش می‌نامیدند. ولادت فاطمه (علیها السلام) در سال پنجم پس از بعثت(2) و در روز 20 جمادی الثانی در مکه به دنیا آمد. چون به دنیا پانهاد، به قدرت الهی لب به سخن گشود و گفت: "شهادت می‌دهم که جز خدا، الهی نیست و پدرم رسول خدا و آقای پیامبران است و شوهرم سرور اوصیاء و فرزندانم (دو فرزندم) سرور نوادگان می‌باشند." اکثر مفسران شیعی و عده‌ای از مفسران بزرگ اهل تسنن نظیر فخر رازی، آیه آغازین سوره کوثر را به فاطمه (علیها السلام) تطبیق نموده‌اند و او را خیر کثیر و باعث بقا و گسترش نسل و ذریه پیامبر اکرم ذکر نموده‌اند. شایان ذکر است که آیه انتهایی این سوره نیز قرینه خوبی براین مدعاست که در آن خداوند به پیامبر خطاب می‌کند و می‌فرماید همانا دشمن تو ابتر و بدون نسل است.

مکارم اخلاق

سراسر زندگانی صدیقه طاهره (علیها السلام)، مملو از مکارم اخلاق و رفتارهای نمونه و انسانی است. ما در این مجال جهت رعایت اختصار تنها به سه مورد اشاره می‌نماییم. اما دوباره تأکید می‌کنیم که این موارد، تنها بخش کوچکی از مکارم اخلاقی آن حضرت است.

1-

از جابر بن عبدالله انصاری، صحابی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) منقول است که: مردی از اعراب مهاجر که فردی فقیر مستمند بود، پس از نماز عصر از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) طلب کمک و مساعدت نمود. حضرت فرمود که من چیزی ندارم. سپس او را به خانه فاطمه (سلام الله علیها) که در کنار مسجد و در نزدیکی خانه رسول خدا قرار داشت، راهنمایی نمودند. آن شخص به همراه بلال (صحابی و مؤذن رسول خدا) به در خانه حضرت فاطمه (علیها السلام) آمد و بر اهل بیت رسول خدا سلام گفت و سپس عرض حال نمود. حضرت فاطمه (علیها السلام) با وجود اینکه سه روز بود خود و پدر و همسرش در نهایت گرسنگی به سر می‌بردند، چون از حال فقیر آگاه شد، گردن‌بندی را که فرزند حمزه، دختر عموی حضرت به ایشان هدیه داده بود و در نزد آن بزرگوار یادگاری ارزشمند محسوب می‌شد، از گردن باز نمود و به اعرابی فرمود: این را بگیر و بفروش؛ امید است که خداوند بهتر از آن را نصیب تو نماید. اعرابی گردن‌بند را گرفت و به نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بازگشت و شرح حال را گفت. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از شنیدن ماجرا، متأثر گشت و اشک از چشمان مبارکش فرو ریخت و به حال اعرابی دعا فرمود. عمار یاسر (از اصحاب پیامبر) برخاست و اجازه گرفت و در برابر اعطای غذا، لباس، مرکب و هزینه سفر به اعرابی، آن گردن‌بند را از او خریداری نمود. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از اعرابی پرسید: آیا راضی شدی؟ او در مقابل، اظهار شرمندگی و تشکر نمود. عمار گردن‌بند را در پارچه‌ای پیمانی پیچیده و آنرا معطر نمود و به همراه غلامش به پیامبر هدیه داد. غلام به نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و جریان را باز گفت. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) غلام و گردن‌بند را به فاطمه (علیها السلام) بخشید. غلام به خانه‌ی صدیقه طاهره آمد. زهرا (علیها السلام)، گردن‌بند را گرفت و غلام را در راه خدا آزاد نمود. گویند غلام در این هنگام تبسم نمود. هنگامی که علت را جویا شدند، گفت: چه گردن‌بند با برکتی بود، گرسنه‌ای را سیر کرد و برهنه‌ای را پوشانید، پیاده‌ای را صاحب مرکب و فقیری را بی‌نیاز کرد و غلامی را آزاد نمود و سرانجام به نزد صاحب خویش بازگشت.

2-

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در شب زفاف پیراهن نویی را برای دختر خویش تهیه نمود. فاطمه (علیها السلام) پیراهن وصله‌داری نیز داشت. سائلی بر در خانه حاضر شد و گفت: من از خاندان نبوت پیراهن کهنه می‌خواهم. حضرت زهرا (علیها السلام) خواست پیراهن وصله‌دار را مطابق خواست سائل به او بدهد که به یاد آیه شریفه "هرگز به نیکی دست نمی‌یابید مگر آنکه از آنچه دوست دارید انفاق نمایید"، افتاد. در این هنگام فاطمه (علیها السلام) پیراهن نو را در راه خدا انفاق نمود.

3-

امام حسن مجتبی در ضمن بیانی، عبادت فاطمه (علیها السلام)، توجه او به مردم و مقدم داشتن آنان بر خویشان، در عالیترین ساعات راز و نیاز با پروردگار را این گونه توصیف می‌نمایند: "مادرم فاطمه را دیدم که در شب جمعه‌ای در محراب عبادت خویش ایستاده بود و تا صبحگاهان، پیوسته به رکوع و سجود می‌پرداخت. و شنیدم که بر مردان و زنان مؤمن دعا می‌کرد، آنان را نام می‌برد و بسیار برایشان دعا می‌نمود اما برای خویشان هیچ دعایی نکرد. پس به او گفتم: ای مادر، چرا برای خویش همانگونه که برای غیر، دعا می‌نمودی، دعا نکردی؟ فاطمه (علیها السلام) گفت: پسر! اول همسایه و سپس خانه."

ازدواج و فرزندان آن حضرت)

زندگی‌نامه حضرت فاطمه زهرا)

صدیقه کبری خواستگاران فراوانی داشت. نقل است که عده‌ای از نامداران صحابه از او خواستگاری کردند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به آنها فرمود که اختیار فاطمه در دست خداست. بنا بر آنچه که انس بن مالک نقل نموده است، عده‌ای دیگر از میان نامداران مهاجرین، برای خواستگاری فاطمه (علیها السلام) به نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رفتند و گفتند حاضریم برای این وصلت، مهر سنگینی را تقبل نماییم. رسول خدا همچنان مسأله را به نظر خداوند موكول می‌نمود تا سرانجام جبرئیل بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد و گفت: "ای محمد! خدا بر تو سلام می‌رساند و می‌فرماید فاطمه را به عقد علی درآور، خداوند علی را برای فاطمه و فاطمه را برای علی پسندیده است." امام علی (علیه السلام) نیز از خواستگاران فاطمه (علیها السلام) بود و حضرت رسول بنا بر آنچه که ذکر گردید، به امر الهی با این وصلت موافقت نمود. در روایات متعددی نقل گشته است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اگر علی نبود، فاطمه همتایی نداشت. بدین ترتیب بود که مقدمات زفاف فراهم شد. حضرت فاطمه (علیها السلام) با مهری اندک (بر خلاف رسوم جاهلی که مهر بزرگان بسیار بود) به خانه امام علی (علیه السلام) قدم گذارد. (3) ثمره این ازدواج مبارک، 5 فرزند به نامهای حسن، حسین، زینب، ام کلثوم و محسن (که در جریان وقایع پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سقط شد)، بود. امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) از امامان 12 گانه می‌باشند که در دامان چنین مادری تربیت یافته‌اند و 9 امام دیگر (به غیر از امام علی (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام)) از ذریه امام حسین (علیه السلام) می‌باشند و بدین ترتیب و از طریق فاطمه (علیها السلام) به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) منتسب می‌گردند و از ذریه ایشان به شمار می‌روند. (4) و به خاطر منسوب بودن ائمه طاهرین (به غیر از امیر مؤمنان (علیه السلام)) به آن حضرت، فاطمه (علیها السلام) را "ام الائمه" (مادر امامان) گویند.

زینب (سلام الله علیها) که بزرگترین دختر فاطمه (علیها السلام) به شمار می‌آید، بانویی عابد و پاکدامن و عالم بود. او پس از واقعه عاشورا، و در امتداد حرکت امام حسین (علیه السلام)، آن چنان قیام حسینی را نیکو تبیین نمود، که پایه‌های حکومت فاسق اموی به لرزه افتاد و صدای اعتراض مردم نسبت به ظلم و جور یزید بارها و بارها بلند شد. تا جایی که حرکت‌های گسترده‌ای بر ضد ظلم و ستم او سازمان گرفت. آنچه از جای جای تاریخ درباره عبادت زینب کبری (علیها السلام) بدست می‌آید، آنست که حتی در سخت‌ترین شرایط و طاقت‌فرساترین لحظات نیز راز و نیاز خویش با پروردگار خود را ترک ننمود و این عبادت و راز و نیاز او نیز ریشه در شناخت و معرفت او نسبت به ذات مقدس ربوبی داشت.

ام کلثوم نیز که در دامان چنین مادری پرورش یافته بود، بانویی جلیل‌القدر و خردمند و سخنور بود که او نیز پس از عاشورا به همراه زینب (سلام الله علیها) حضور داشت و نقشی عمده در آگاهی دادن به مردم ایفا نمود. فاطمه (علیها السلام) در خانه

فاطمه (علیها السلام) با آن همه فضیلت، همسری نیکو برای امیر مؤمنان بود. تا جایی که روایت شده هنگامی که علی (علیه السلام) به فاطمه (علیها السلام) می‌نگریست، غم و اندوهش زدوده می‌شد. فاطمه (علیها السلام) هیچگاه حتی اموری را که می‌پنداشت امام علی (علیه السلام) قادر به تدارک آنها نیست، از او طلب نمی‌نمود. اگر بخواهیم هر چه بهتر رابطه زناشویی آن دو نور آسمان فضیلت را بررسی نماییم، نیکوست از امام علی (علیه السلام) بشنویم؛ چه آن هنگام که در ذیل خطبه‌ای به فاطمه (علیها السلام) با عنوان بهترین بانوی جهانیان مباحثات می‌نماید و او را از افتخارات خویش بر می‌شمرد و یا آن هنگام که می‌فرماید: "بخدا سوگند که او را به خشم در نیاوردم و تا هنگامی که زنده بود، او را وادار به کاری که خوشش نیاید ننمودم؛ او نیز مرا به خشم نیاورد و نافرمانی هم ننمود." مقام حضرت زهرا (علیها السلام) و جایگاه علمی ایشان

فاطمه زهرا (علیها السلام) در نزد شیعیان اگر چه امام نیست، اما مقام و منزلت او در نزد خداوند و در بین مسلمانان به خصوص شیعیان، نه تنها کمتر از سایر ائمه نیست، بلکه آن حضرت همتای امیر المؤمنین و دارای منزلتی عظیم‌تر از سایر ائمه طاهرین (علیهم السلام) می‌باشد.

اگر بخواهیم مقام علمی فاطمه (علیها السلام) را درک کنیم و به گوشه‌ای از آن پی ببریم، شایسته است به گفتار او در خطبه فدکیه بنگریم؛ چه آنجا که استوارترین جملات را در توحید ذات اقدس ربوبی بر زبان جاری می‌کند، یا آن هنگام که معرفت و بینش خود را نسبت به رسول اکرم آشکار می‌سازد و یا در مجالسی که در آن خطبه، امامت را شرح مختصری می‌دهد. جای جای این خطبه و احتجاجات این بانوی بزرگوار به قرآن کریم و بیان علت تشریح احکام، خود سندی محکم بر اقیانوس بی‌کران علم اوست که متصل به مجرای وحی است (قسمتی از این خطبه در فراز آخر مقاله خواهد آمد). از دیگر شواهدی که به آن وسیله می‌توان گوشه‌ای از علو مقام فاطمه (علیها السلام) را درک نمود، مراجعه زنان و یا حتی مردان مدینه در مسائل دینی و اعتقادی به آن بزرگوار می‌باشد که در فرازهای گوناگون تاریخ نقل شده است. همچنین استدلال‌های عمیق فقهی فاطمه (علیها السلام) در جریان فدک (که مقداری از آن در ادامه ذکر خواهد گردید)، به روشنی بر احاطه فاطمه (علیها السلام) بر سراسر قرآن کریم و شرایع اسلامی دلالت می‌نماید.

مقام عصمت

در بیان عصمت فاطمه (علیها السلام) و مصونیت او نه تنها از گناه و لغزش بلکه از سهو و خطا، استدلال به آیه تطهیر ما را بی‌نیاز می‌کند. ما در این قسمت جهت جلوگیری از طولانی شدن بحث، تنها اشاره می‌نماییم که عصمت فاطمه (علیها السلام) از لحاظ کیفیت و ادله اثبات همانند عصمت سایر ائمه و پیامبر است که در قسمت مربوطه در سایت بحث خواهد شد.

بیان عظمت فاطمه از زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، بارها و بارها فاطمه (علیها السلام) را ستود و از او تجلیل نمود. در مواقع بسیاری می‌فرمود: "پدرش به فدایش باد" و گاه خم می‌شد و دست او را می‌بوسید. به هنگام سفر از آخرین کسی که خداحافظی می‌نمود، فاطمه (علیها السلام) بود و به هنگام بازگشت به اولین محلی که وارد می‌شد، خانه او بود. عامه محدثین و مسلمانان از هر مذهب و با هر عقیده‌ای، این کلام را نقل نموده‌اند که حضرت رسول می‌فرمود: "فاطمه

پاره تن من است هر کس او را بیازارد مرا آزرده است." از طرفی دیگر، قرآن کریم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را از هر سخنی که منشأ آن هوای نفسانی باشد، بدور دانسته و صراحتاً بیان می‌دارد که هر چه پیامبر می‌فرماید، سخن وحی است. پس می‌توان دریافت که این همه تجلیل و ستایش از فاطمه (علیها السلام)، علتی ماورای روابط عاطفی مابین پدر و فرزند دارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز خود به این مطلب اشاره می‌فرمود. گاه در جواب خرده‌گیران، لب به سخن می‌گشود که خداوند مرا به این کار امر نموده و یا می‌فرمود: "من بوی بهشت را از او استشمام می‌کنم."

اما اگر از زوایای دیگر به بحث بنگریم و حدیث نبوی را در کنار آیات شریفه قرآن کریم قرار دهیم، مشاهده می‌نماییم قرآن کریم عقوبت کسانی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را اذیت نمایند، عذابی دردناک ذکر می‌کند. و یا می‌فرماید کسانی که خدا و رسول را اذیت نمایند، خدا آنان را در دنیا از رحمت خویش دور می‌دارد و برای آنان عذابی خوار کننده آماده می‌نماید. پس به نیکی مشخص می‌شود که رضا و خشنودی فاطمه (علیها السلام)، رضا و خشنودی خداوند است و غضب او نیز باعث غضب خداست. به بیانی دقیق‌تر، او مظهر رضا و غضب الهی است. چرا که نمی‌توان فرض نمود، شخصی عملی را انجام دهد و بدان وسیله فاطمه (علیها السلام) را بیازارد و موجب آزرده‌گی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گردد و بدین سبب مستوجب عقوبت الهی شود، اما خداوند از آن شخص راضی و به عمل او خشنود باشد و در عین رضایت، او را مورد عقوبتی سنگین قرار دهد.

نکته‌ای دیگر که از قرار دادن این حدیث در کنار آیات قرآن کریم بدست می‌آید، آنست که رضای فاطمه (علیها السلام)، تنها در مسیر حق بدست می‌آید و غضب او فقط در انحراف از حق و عدول از اوامر الهی حاصل می‌شود و در این امر حتی ذره‌ای تمایلات نفسانی و یا انگیزه‌های احساسی مؤثر نیست. چرا که از مقام عدل الهی، بدور است شخصی به خاطر غضب دیگری که برخاسته از تمایل نفسانی و یا عوامل احساسی مؤثر بر اراده اوست، عقوبت نماید.

وصیت

در ایام بیماری، فاطمه (علیها السلام) روزی امام علی (علیه السلام) را فراخواند و آن حضرت را وصی خویش قرار داد و به آن حضرت وصیت نمود که پس از وفاتش، فاطمه (علیها السلام) را شبانه غسل دهد و شبانه کفن نماید و شبانه دفن کند و احدی از کسانی که در حق او ستم روا داشته‌اند، در مراسم تدفین و نماز خواندن بر جنازه او حاضر نباشند. شهادت

سرانجام روز سوم جمادی الثانی سال یازدهم هجری فرا رسید. فاطمه (علیها السلام) آب طلب نموده و بوسیله آن بدن مطهر خویش را شستشو داد و غسل نمود. سپس جامه‌ای نو پوشید و در بستر خوابید و پارچه‌ای سفید به روی خود کشید؛ چیزی نگذشت که دخت پیامبر، بر اثر حوادث ناشی از هجوم به خانه ایشان، دنیا را ترک نموده و به شهادت رسید؛ در حالیکه از عمر مبارکش بنا بر مشهور، 18 سال بیشتر نمی‌گذشت و بنا بر مشهور تنها 95 روز پس از رسول خدا در این دنیا زندگی نمود.

فاطمه (علیها السلام) در حالی از این دنیا سفر نمود که بنا بر گفته معتبرترین کتب در نزد اهل تسنن و همچنین برترین کتب شیعیان، از ابابکر و عمر خشمگین بود و در اواخر عمر هرگز با آنان سخن نگفت؛ و طبیعی است که دیگر حتی تأسف ابی‌بکر در هنگام مرگ از تعرض به خانه فاطمه (علیها السلام) سودی نخواهد بخشید. تغسیل و تدفین

مردم مدینه پس از آگاهی از شهادت فاطمه (علیها السلام)، در اطراف خانه آن بزرگوار جمع گشتند و منتظر تشییع و تدفین فاطمه (علیها السلام) بودند؛ اما اعلام شد که تدفین فاطمه (علیها السلام) به تأخیر افتاده است. لذا مردم پراکنده شدند. هنگامی که شب فرا رسید و چشمان مردم به خواب رفت، امام علی (علیه السلام) بنا بر وصیت فاطمه (علیها السلام) و بدور از حضور افراد، به غسل بدن مطهر و رنج دیده همسر خویش پرداخت و سپس او را کفن نمود. هنگامی که از غسل دادن او فارغ شد، به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) (در حالی که در زمان شهادت مادر هر دو کودک بودند.) امر فرمود: تا عده‌ای از صحابه راستین رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را که البته

مورد رضایت فاطمه (علیها السلام) بودند، خبر نمایند تا در مراسم تدفین آن بزرگوار شرکت کنند. (و اینان از 7 نفر تجاوز نمی‌کرده‌اند). پس از حضور آنان، امیر مؤمنان بر فاطمه (علیها السلام) نماز گزارد و سپس در میان حزن و اندوه کودکان خردسالش که مخفیانه در فراق مادر جوان خویش گریه می‌نمودند، به تدفین فاطمه (علیها السلام) پرداخت. هنگامی که تدفین فاطمه (علیها السلام) به پایان رسید، رو به سمت مزار رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نمود و گفت:

"سلام بر تو ای رسول خدا، از جانب من و از دختری؛ آن دختری که بر تو و در کنار تو آرمیده است و در زمانی اندک به تو ملحق شده. ای رسول خدا، صبر و شکیبایی‌ام از فراق حبیبه‌ات کم شده، خودداریم در فراق او از بین رفت... ما از خدایم و بسوی او باز می‌گردیم... به زودی دختری، تو را خبر دهد که چه سان امتت فراهم گردیدند و بر او ستم ورزیدند. سرگذشت را از او پپرس و گزارش را از او بخواه که دیری نگذشته و یاد تو فراموش نگشته..."

امروزه پس از گذشت سالیان متمادی همچنان مزار سرور بانوان جهان مخفی است و کسی از محل آن آگاه نیست. مسلمانان و بخصوص شیعیان در انتظار ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بزرگترین منجی الهی و یازدهمین فرزند از نسل فاطمه (علیها السلام) در میان ائمه می‌باشند تا او مزار مخفی شده مادر خویش را بر جهانیان آشکار سازد و به ظلم و بی‌عدالتی در سراسر گیتی، پایان دهد.

سخنان فاطمه

از فاطمه (علیها السلام) سخنان فراوانی بر جای مانده، که پاره‌ای از آنان مستقیماً از او نقل شده است و به نیکی می‌توان گوشه‌ای از علو مقام و ژرفای علم و معرفت او را در این کلمات دریافت و پاره‌ای دیگر نیز بواسطه او، از وجود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت گشته است که به نوبه خود بیانگر ارتباط نزدیک او با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و عمق درک و فهم فاطمه (علیها السلام) می‌باشد. در این مجال، جهت رعایت اختصار تنها به دو مورد از کلماتی که مستقیماً از فاطمه (علیها السلام) نقل شده اشاره می‌نماییم:

1-

قال مولاتنا فاطمة الزهرا (علیها السلام): "من اصعد الی الله خالص عباده، اهبط الله عزوجل الیه افضل مصلحته" فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فرمود: "هر کس عبادت خالص خود را به سوی پروردگار بالا بفرستد، خداوند برترین مصلحت خود را به سوی او می‌فرستد."

2-

قال مولاتنا فاطمة الزهرا (علیها السلام) فی قسم من خطبة الفدکیة:

"فجعل الله الایمان تطهیراً لکم من الشرك، و الصلوة تنزیها لکم عن الکبر، و الزکاة تزکیه للنفس و نماء فی الرزق، و الصیام تثبیتاً للإخلاص، و الحج تشبیحاً للذین، و العدل تنسیقاً للقلوب، و طاعتنا نظاماً للملئة، و اما متنا اماناً من الفرقة، و الجهاد عزا للإسلام، و الصبر معونة علی استیجاب الأجر، و الأمر بالمعروف مصلحة للعامة، و بر الوالدین وقایه من السخط، و صلة الأرحام منماة للعدد، و القصاص حصناً للدماء، و الوفاء بالنذر تعریضاً للمغفرة، و توفیة المکائیل و الموازین تغییراً للبخس، و النهی عن شرب الخمر تنزیهاً عن الرجس، و اجتناب القذف حجاباً عن اللعنة، و ترک السرقة ایجاباً للعة، و حرم الله الشرك اخلاصاً له بالربوبیه، فاتقوا الله حق تقاته و لا تموتن الا و انتم مسلمون و اطیعوا الله فیما امرکم به و نهاکم عنه فانه" انما یخشى الله من عباده العلماء."

فاطمه زهرا (علیها السلام) در قسمتی از خطبه فدکیه می‌فرماید:

"پس خداوند ایمان را موجب پاکی شما از شرک، نماز را موجب تنزیه و پاکی شما از (آلودگی) تکبر، زکات را باعث تزکیه و طهارت روح و روان و رشد و فزونی در روزی، روزه را موجب پایداری اخلاص، حج را باعث استواری دین، دادگری و عدل را موجب انسجام و تقویت دلها، اطاعت و پیروی از ما را باعث نظم و آسایش ملت، رهبری و پیشوایی ما را موجب امان از جدایی و تفرقه، جهاد را موجب عزت و شکوه اسلام، صبر و پایداری را کمکی بر استحقاق و شایستگی پاداش، امر به معروف را به مصلحت عامه مردم، نیکی به پدر و مادر را سپری از خشم پروردگار، پیوند و پیوستگی با ارحام و خویشاوندان را موجب کثرت جمعیت، قصاص را موجب جلوگیری از خونریزیها، وفا به نذر را موجب قرار گرفتن در معرض آمرزش، پرهیز از کم فروشی را موجب عدم زیان و ورشکستگی، نهی از آشامیدن شراب را به خاطر پاک بودن از پلیدی، دوری جستن از قذف (تهمت ناروای جنسی) را انگیزه‌ای برای جلوگیری از لعن و نفرین، پرهیز از دزدی را موجب حفظ عفت و پاکدامنی قرار داد و خداوند شرک ورزیدن نسبت به خود را از آن جهت حرام فرمود که بندگان در بندگی خود نسبت به ربوبیت او اخلاص پیشه کنند، پس "از خداوند بدان گونه که شایسته است پرهیز داشته باشید و تقوا پیشه کنید و جز درحال مسلمانی از دنیا نروید." و خدا را در آنچه که شما را بدان امر می‌کند و آنچه که نهی می‌کند فرمان برداری کنید. زیرا "تنها بندگان دانا از خداوند خوف و ترس دارند."